



University of Tehran Press

Protection of Detainees in Non-International Armed Conflicts under International Human Rights Law: With A View on Serdar Mohammed v. UK Ministry of Defence Case

Gholamali Ghasemi¹ | Mousa Karami² | Reyhaneh Zandi³

1. Corresponding Author; Department of International Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran. Email: ghasemi@qom.ac.ir
2. Department of Public International Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran. Email: mosakarami136767@gmail.com
3. Department of Public International Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran. Email: r.z.judge94@gmail.com

Article Info

Article Type:
Research Article

Received:
2022/02/05

**Received
in revised form:**
2022/04/16

Accepted:
2022/04/18

Published online:
2023/06/22

Keywords:

*Human Rights,
Detainees,
NAC,
Serdar Mohammed
Case,
Humani Dignity.*

Abstract

Since its earliest elaborations, international humanitarian law (IHL) has treated international and non-international armed conflicts differently. The consequence of this difference is that the former (conflicts between two or more states) have traditionally been regulated far more comprehensively than the latter (conflicts between states and non-state armed groups, or between such groups). In light of the post-1945 shift that has seen non-international conflicts become the norm, this distinction seems particularly anachronistic. This differentiated approach to the regulation of armed conflict is particularly stark with respect to preventive, security detention or 'internment', defined as a deprivation of liberty ordered by the executive on the basis of future security threat without criminal charge. International Human Rights Law (IHRL) preserves the minimum standards of a dignified life for human beings everywhere and at any time. Detainees of non-international armed conflicts (NIAC) are considered to be one of the groups that due to their conditions are in a vulnerable situation and need special protection of this system. As in contemporary international law the members of this group are not combatants and consequently, are not regarded as PW, they do not enjoy the protections in Geneva Convention III. Accordingly, the necessity of protecting them in IHRL seems to be more clear than ever. Although there is no instrument and organ which independently and specifically deals with the protection of detainees of NIAC in the framework of current IHRL, searching the general human rights system and its related provisions and standards may lead us to some protective measures and rules for these individuals. The present article, through a descriptive-analytic method, aims at studying the protections afforded to this group in IHRL and Serdar Mohammed case. The case of *Serdar Mohammed v. UK Ministry of Defence*, through a somewhat comprehensive analysis of subjects and topics about detention as a whole, has outlined many core legal issues surrounding the protection of detainees

Article Info	Abstract
	<p>in NIAC. It has shed light on less-clear aspects and layers of this serious challenge for protection of dignity of human beings in the current conflicts of different parts of the world and specifically the Middle East. Reliance of the contemporary international law foundations on the state-centered Westphalian system and the difficulty of adhering non-state groups, are among the main challenges meeting the protection these individuals in IHRL. Furthermore, promoting the protection of groups such as women and children that are facing with double-vulnerability in the detention status in NIAC, is considered to be one of the inevitable requirements for effective protection of this group. In this regard, introducing a collection of applicable substantive and procedural laws that both direct the acts of states and non-state armed groups and protect the rights of injured persons becomes an absolute necessity.</p>
<p>How To Cite</p>	<p>Ghasemi, Gholamali; Karami, Mousa & Zandi, Reyhaneh (2023). Protection of Detainees in Non-International Armed Conflicts under International Human Rights Law: With A View on Serdar Mohammed v. UK Ministry of Defence Case. <i>Comparative Law Review</i>, 14 (1), 411-432. DOI: https://doi.com/10.22059/jcl.2022.338592.634313</p>
<p>DOI</p>	<p>10.22059/jcl.2022.338592.634313</p>
<p>Publisher</p>	<p>University of Tehran Press.</p>





University of Tehran Press

مطالعات حقوق تطبیقی

شاپا الکترونیکی: ۳۴۰۴-۳۴۲۳

دوره: ۱۴، شماره: ۱

بهار و تابستان ۱۴۰۲

Homepage: <https://jcl.ut.ac.ir>

حمایت از بازداشت‌شدگان درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی در نظام بین‌المللی حقوق بشر: با نگاهی به قضیه سردار محمد علیه وزارت دفاع انگلستان

غلامعلی قاسمی^۱ | موسی کرمی^۲ | ریحانه زندی^۳

۱. نویسنده مسئول؛ گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق دانشگاه قم، قم، ایران. رایانامه: ghasemi@qom.ac.ir

۲. گروه حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران. رایانامه: mosakarami136767@gmail.com

۳. گروه حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران. رایانامه: r.z.judge94@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۶</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۱/۲۷</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۲۹</p> <p>تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۲/۰۴/۰۱</p> <p>کلیدواژه‌ها: بازداشت‌شدگان، حقوق بشر، درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی، قضیه سردار محمد، کرامت انسانی.</p>	<p>نظام بین‌المللی حقوق بشر در هر زمان و مکانی پاسدار حداقل‌های زندگی شرافتمندانه برای نوع انسان است. بازداشت‌شدگان درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی، یکی از گروه‌هایی هستند که به سبب شرایط خود در وضعیتی آسیب‌پذیر قرار می‌گیرند و نیازمند حمایت ویژه این نظام‌اند. از آنجایی که به‌موجب حقوق بین‌الملل کنونی، افراد متعلق به این گروه رزمنده نبوده، در نتیجه اسیر جنگی به‌شمار نمی‌روند از حمایت‌های مندرج در کنوانسیون سوم ژنو برخوردار نیستند. از این رو، بایستگی حمایت از آنان در نظام حقوق بشر، بیش از پیش نمایان می‌شود. مقاله فرارو سر آن دارد تا از رهگذر شیوه‌ای توصیفی-تحلیلی، به مطالعه حمایت‌های انجام‌شده در نظام بین‌المللی حقوق بشر از این گروه و بررسی موردی قضیه سردار محمد علیه وزارت دفاع انگلستان دست یازد. ابتدای مبانی حقوق بین‌الملل کنونی بر نظام وستفالیایی دولت‌محور و دشواری پابندسازی گروه‌های مسلح غیردولتی از جمله چالش‌های اصلی حمایت از این افراد در نظام بین‌المللی حقوق بشر به‌شمار می‌رود. همچنین، افزایش حمایت از گروه‌هایی مانند زنان و کودکان که در وضعیت بازداشت در درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی با آسیب‌پذیری چندسویه روبه‌رو هستند، از بایسته‌های گریزناپذیر حمایت کارآمد از این دست اشخاص محسوب می‌شود. در این راستا، ارائه مجموعه‌ای از قوانین ماهوی و رویه‌ای قابل اجرا که هم اقدامات دولت‌ها و گروه‌های مسلح غیردولتی را هدایت کند و هم از حقوق افراد آسیب‌دیده حمایت نماید، ضرورتی تام می‌یابد.</p>
<p>استناد</p> <p>قاسمی، غلامعلی؛ کرمی، موسی و زندی، ریحانه (۱۴۰۲). حمایت از بازداشت‌شدگان درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی در نظام بین‌المللی حقوق بشر: با نگاهی به قضیه سردار محمد علیه وزارت دفاع انگلستان. <i>مطالعات حقوق تطبیقی</i>، ۱۴ (۱)، ۴۱۱-۴۳۲.</p> <p>DOI: https://doi.com/10.22059/jcl.2022.338592.634313</p>	
<p>DOI</p> <p>10.22059/jcl.2022.338592.634313</p>	
<p>ناشر</p> <p>مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.</p>	



۱. مقدمه

«در سال‌های اخیر، افزایش یکباره شمار مخاصمات داخلی موجب تحول ژرف و برق‌آسای حقوق بین‌الملل حاکم بر مخاصمات مسلحانه داخلی شده است» (ممتاز و رنجریان، ۱۳۹۳: ۱۲). با این حال، بسیاری از عرصه‌های مربوط به درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی همچنان نیازمند تأمل بیشتری هستند. یکی از حوزه‌هایی که کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته، حمایت از بازداشت‌شدگان این نوع درگیری‌ها در نظام بین‌المللی حقوق بشر است. به موجب حقوق بین‌الملل کنونی، افراد بازداشت‌شده رزمنده به‌شمار نرفته، فاقد وضعیت اسیر جنگی هستند و در نتیجه از حمایت‌های مقرر در کنوانسیون ژنو راجع به رفتار با اسیران جنگی برخوردار نمی‌شوند. به‌رغم وقوع و شیوع بیشتر بازداشت‌ها در درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی در روزگار کنونی، حقوق بشردوستانه و به‌ویژه حقوق بشردوستانه معاهداتی، توجه چندانی به حمایت از بازداشت‌شدگان این درگیری‌ها نداشته (Crawford, 2019: 251) و از همین رو کمیته بین‌المللی صلیب سرخ بر بایستگی تقویت حمایت از این افراد تأکید ورزیده است (ICRC, 2012-2013).

صاحب‌نظران، مقوله بازداشت (Detention/Internment) را یکی از عرصه‌هایی می‌دانند که در آن تفاوت رویکرد در قبال درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی هویداست (Hill-Cawthorne, 2016: 1). در این نوشتار، مقصود از بازداشت «یک اقدام کنترلی استثنایی و موقتی است که ممکن است بنابه دلایل امنیتی در درگیری‌های مسلحانه صادر و اعمال شود» (Pejic, 2005: 376). طبق قطعنامه شماره ۱۷۳ مجمع عمومی ملل متحد موسوم به مجموعه اصول حمایت از کلیه اشخاصی که به طریقی در بازداشت یا حبس به‌سر می‌برند،^۱ بازداشت‌شده یا بازداشتی (Detained person/Detainee) «هر شخصی است که در نتیجه چیزی جز محکومیت به سبب یک جرم، از آزادی محروم شده است» (UNGA, 9 December 1988: Annex, Use of Terms, (b)). بر اساس گزارش‌ها، افزون بر دولت‌ها، بیش از ۸۰ گروه مسلح در کشورهای بین‌المللی صلیب سرخ در آنها فعالیت می‌کند، به بازداشت افراد دست یازیده‌اند (ICRC, October 2019: 45). بازداشت در درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی به یکی از مباحث داغ حقوقی و عملیاتی بین‌المللی مبدل شده است که اندیشمندان آن را نتیجه ماهیت غیربین‌المللی بیشتر درگیری‌های مسلحانه جاری در جهان دانسته‌اند (Dormann, 2012: 347).

اهمیت پاسداشت شأن و منزلت انسان در هر موقعیت و مکان و زمان به‌عنوان آرمان حقوق بشر و نیز کمبود ادبیات حقوقی فارسی در این حوزه، نگارندگان این نوشتار را بر آن داشت تا از رهگذر شیوه توصیفی-تحلیلی، به بررسی حمایت‌های مقرر در نظام بین‌المللی حقوق بشر از بازداشت‌شدگان در درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی دست یازند. قواعد حاکم بر این موضوع را می‌توان در سه حوزه حقوق داخلی کشور محل وقوع

1. Body of Principles for the Protection of All Persons under Any Form of Detention or Imprisonment, UNGA, Resolution 43/173 (9 December 1988)

درگیری، حقوق بین‌الملل بشردوستانه حاکم بر درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی و نظام بین‌المللی حقوق بشر پیگیری کرد. این مقاله، حمایت از بازداشت‌شدگان درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی در چارچوب نظام بین‌المللی حقوق بشر را می‌کاود. در این راستا، نخست تداوم اعمال حقوق بشر در زمان درگیری‌های مسلحانه و پیوند حقوق بشر و حقوق بشردوستانه از نظر می‌گذرد؛ سپس حمایت‌های انجام‌گرفته از بازداشت‌شدگان موردنظر مقاله در چارچوب نظام بین‌المللی حقوق بشر به بررسی درمی‌آید؛ آنگاه در قالب بررسی موردی یکی از جدیدترین قضایای مطروحه در این زمینه، موسوم به قضیه سردار محمد علیہ وزیرت دفاع انگلستان، واکنش نظام قضایی کشور انگلستان نسبت به این وضعیت به تصویر کشیده خواهد شد؛ فرجام بدنه اصلی این نوشتار به چالش‌های فراروی حمایت از بازداشت‌شدگان درگیری‌های غیربین‌المللی اختصاص می‌یابد؛ و سرانجام، جمع‌بندی مطالب و نتیجه‌گیری، مباحث پایانی این مقاله خواهد بود که فروتنانه امید می‌رود آغاز و انگیزه پژوهش‌های موشکافانه‌تر و جذاب‌تر در ادبیات حقوقی فارسی باشد.

۲. تداوم اعمال حقوق بشر در زمان درگیری‌های مسلحانه: نظامی برای تمام فصول؟

بشر در همه حال، چه در میدان جنگ و چه در سایه صلح، بشر است و بدیهی است حقوق بشری او نیز بسته به زمان و مکان از او سلب نمی‌شود. لزوم تداوم اعمال قواعد حقوق بشر در طول درگیری‌های مسلحانه در موارد مختلف از سوی مجمع عمومی و شورای امنیت ملل متحد، رویه دولت‌ها، ارکان حقوق بشری و دیوان بین‌المللی دادگستری تأیید شده است. برای نمونه، دیوان بین‌المللی دادگستری در نظریه مشورتی خویش درباره پیامدهای حقوقی ساخت دیوار حائل در سرزمین فلسطین اشغالی تأکید کرد که «حمایت‌های اعطاشده از سوی کنوانسیون‌های حقوق بشری در زمان درگیری‌های مسلحانه متوقف نمی‌شوند و با آنکه برخی حقوق تنها موضوع حقوق بین‌الملل بشردوستانه یا قواعد حقوق بشری‌اند، قواعدی وجود دارند که موضوع هر دو شاخه حقوق بین‌الملل هستند» (ICJ, 9 July 2004: para. 106). این باور در قضیه فعالیت‌های مسلحانه در سرزمین کنگو نیز تکرار شد (ICJ, 19 December 2005: para. 216). به سخن دیگر، «در زمان مخاصمات، هم حقوق بین‌الملل بشردوستانه و هم حقوق بشر بین‌المللی، هم‌زمان اعمال می‌شوند» (Fortin, September 2018: 4). گفتنی است که امروزه گاهی از حقوق بین‌الملل بشردوستانه به‌عنوان بخشی از حقوق بشر قابل اعمال در مخاصمات مسلحانه قلمداد می‌شود؛ دیدگاهی که ریشه‌های آن را می‌توان در قطعنامه شماره ۲۳ کنفرانس حقوق بشر تهران که در ۱۲ می ۱۹۶۸ اتخاذ شد، سراغ گرفت^۱ که در مقوله پیوند میان حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، یک نقطه عطف به‌شمار می‌رود.

۱. نک:

“Human Rights in Armed Conflicts”; Resolution XXIII adopted by the International Conference on Human Rights, Tehran, 12 May 1968. Available at: <https://ihl-databases.icrc.org/applic/ihl/ihl.nsf/Article.xsp?action=openDocument&documentId=378384ED19F0CFEAC12563CD0051D2B4>

هرچند در برهه‌هایی از تاریخ، حقوق بشر و حقوق بشردوستانه جداگانه گسترش یافته‌اند، ولی توسعه آنها به موازات یکدیگر بوده و آثار متقابلی برهم داشته‌اند. ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو از سوی برخی اندیشمندان حقوق بین‌الملل به‌عنوان تجلی بارز تأثیر حقوق بشر بر حقوق بشردوستانه قلمداد شده است. به باور ایشان، «گنجاندن ارتقای حقوق بشر به‌عنوان هدف اساسی سازمان ملل در منشور آن، شناسایی جنایات علیه بشریت به‌عنوان جنایاتی بین‌المللی، انعقاد کنوانسیون منع و مجازات نسل‌زدایی و تنظیم مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی در چارچوب یک معاهده همه‌جانبه برای نخستین بار در سال ۱۹۴۹ [یعنی ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو]، همگی ریشه در این تأثیر دارند» (Meron, 2006: 7). به باور برخی صاحب‌نظران عرصه حقوق بشر نیز «ماده ۳ مشترک را باید به‌عنوان نقطه عطفی در انسان‌مداری حقوق بشردوستانه به‌شمار آورد. نحوه نگارش این ماده، نگارشی حقوق بشری است» (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۸: ۲: ۴۶۶).

حقوق بشر و حقوق بشردوستانه از لحاظ موضوعی با هم نزدیکی تنگاتنگی دارند و به‌نظر با چشم‌پوشی می‌توان از یگانگی موضوعی آن دو سخن راند. حراست از کرامت و انسانیت افراد، هدف مشترک نظام حقوق بشر و حقوق بشردوستانه است (قربان‌نیا، ۱۳۹۰: ۱۶۷). «اگرچه این دو شاخه حقوقی دارای دامنه متفاوتی هستند، ولی مجموعه‌ای از حمایت‌ها را برای افراد گوناگون اعم از غیرنظامیان، افرادی که دیگر در عملیات‌های نظامی مشارکت مستقیم ندارند یا مشارکت‌کنندگان فعال در مخاصمات ارائه می‌دهند. در واقع، حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بر وضعیت‌های مشتمل بر مخاصمات مسلحانه اعمال می‌گردند و حمایت‌های مربوطه را تکمیل و به صورت دوسویه تقویت می‌نمایند» (OHCHR, 2011: 1). از حیث قلمرو اجرای قواعد، قواعد حقوق بشر نسبت به همهٔ انبای بشر جاری است، درحالی که قواعد حقوق بشردوستانه تنها نسبت به برخی افراد لازم‌الاجرا می‌باشد. از این رو، «هر شخصی که به هر دلیلی تحت حمایت حقوق بشردوستانه نباشد، تحت حمایت حقوق بشر است» (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۶: ۴۳).

قابلیت اعمال هم‌زمان حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در زمان مخاصمات مسلحانه، به معنای این نیست که این دو دوشادوش یکدیگر و به صورت مطلق بر هر موضوعی که در مخاصمه رخ می‌دهد پیاده می‌شوند. برای نمونه، در مقولهٔ بازداشت، ممکن است نوع خاصی از بازداشت وجود داشته باشد که یکسره خارج از دامنهٔ حقوق بین‌الملل بشردوستانه قرار گیرد و آن زمانی است که محرومیت از آزادی پیوندی با مخاصمهٔ مسلحانه ندارد. بایستگی مطلق حفظ منزلت و کرامت انسانی انبای بشر در هر موقعیت و زمان و مکان، لزوم حمایت از افراد در زمان جنگ را به امری بدیهی مبدل می‌سازد. از این رو، ره به‌گرافه نبرده‌ایم اگر حقوق بین‌الملل بشر را نظامی برای تمام فصول بنامیم.

۳. حمایت از بازداشت‌شدگان در درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی در حقوق بین‌الملل بشر

اگرچه در چارچوب نظام کنونی حقوق بین‌الملل بشر سند یا نهادی که به صورت مستقل و تخصصی به حمایت از بازداشت‌شدگان درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی بپردازد، وجود ندارد، ولی با بررسی نظام عام حقوق بشر و مقررات عمومی آن، می‌توان حمایت از این افراد را به نظاره نشست. بر اساس ماده ۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)، ماده ۱۲(۱) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)، ماده ۲(۲) میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶)، ماده ۱۴ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین (۱۹۵۰)، ماده ۱۱(۱) کنوانسیون امریکایی حقوق بشر یا پیمان سان‌خوزه (۱۹۶۹)، ماده ۲ منشور افریقایی حقوق بشر و خلق‌ها (۱۹۸۱) و...، تمامی انسان‌ها بدون هرگونه تبعیضی، صرف‌نظر از شرایط و وضعیت، از همه حقوق و آزادی‌های اساسی بهره‌مند هستند. ولی در نظام بین‌المللی حقوق بشر به فراخور موقعیت و گاه صنف افراد و درواقع به‌واسطه وضعیت آسیب‌پذیری که اشخاص در آن قرار دارند، برخی افراد و گروه‌های اجتماعی از پاره‌ای حقوق و امتیازات حمایتی نیز برخوردار می‌شوند.

بازداشت افراد بدون صدور رأی قضایی به‌وسیله کلیه اسناد حقوق بشری و نیز قوانین کیفری بسیاری از کشورهای جهان ممنوع اعلام شده است. این گزاره به‌صراحت در ماده ۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر درج گردیده و در ماده ۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی بسط یافته است. همچنین، ماده ۱۰ این میثاق نیز حداقل ضوابطی را که بر شرایط بازداشت افراد حاکم هستند برمی‌شمارد. ممنوعیت مورد اشاره در ماده ۹ اعلامیه و میثاق، ماده ۶ منشور افریقایی حقوق بشر و خلق‌ها، ماده ۷(۱) کنوانسیون بین‌المللی حقوق بشر، ماده ۱۴ منشور عربی حقوق بشر و ماده ۵(۱) کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تکرار شده است. حق آزادی و امنیت شخصی مبنای حمایت از افراد در برابر سلب خودسرانه آزادی و همچنین قانونی نمودن دستگیری و بازداشت است. این حق از حق‌های اولیه و شرط‌های زیربنایی برای نیل به دیگر آزادی‌ها و حق‌ها محسوب می‌شود (اسمعیل‌پور و شریعت باقری، ۱۳۹۳: ۸) که درواقع ناظر به مرحله پیش از بازداشت بوده است و لذا توسل به بازداشت را با محدودیت‌ها و محذوریتهای روبرو می‌سازد.

در نتیجه همین ممنوعیت است که نهادهای حقوق بشری معاهداتی که به طریقی با مقوله بازداشت سروکار دارند، بازداشت امنیتی را اغلب با استثناهایی بسیار محدود، با حاکمیت قانون و تعهدات ناشی از موازین نظام بین‌المللی حقوق بشر ناسازگار اعلام کرده‌اند. به‌ویژه، کمیته حقوق بشر این اقدام را روی‌هم‌رفته با ماده ۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی مغایر می‌داند و چندین بار ابراز داشته است که «دلایل امنیتی نمی‌تواند تخطی از حق آزادی و امنیت را توجیه نماید» (HRCOM, 13 November 2004; para. 7.2.; HRCOM, 4 August 2010: para. 20). کمیته منع شکنجه و گزارشگر ویژه آن نیز برخی اشکال بازداشت امنیتی (به‌ویژه بازداشت دسته‌جمعی و بازداشت بدون مدت مشخص) را

تشکیل دهنده سوء رفتار در معنای مندرج در ماده ۱۶ کنوانسیون منع شکنجه دانسته‌اند (Committee against Torture, 2010: 101, 104, 106 & 114; Un Special Rapporteur on Torture, 17 December 2002: para. 26.h). افزون بر این، گزارشگر ویژه مبارزه با تروریسم ابراز داشته که بازداشت اداری یا امنیتی در بافت درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی تنها در زمان اضطراب عمومی که حیات ملت را تهدید می‌کند و وجود آن رسماً اعلام شده باشد، مجاز است (Human Rights Council, 16 November 2007: para. 10).

گفتنی است «تهدید حیات ملت (threatening the life of nation)، مفهومی است که در اسناد حقوق بشری مرتبط با موضوع اضطراب عمومی بارها ذکر شده، اما معنای آن روشن نیست و تعریفی از آن ارائه نشده است» (شاملو و یوسفی، ۱۳۹۵: ۱۱۹). البته شورای اقتصادی اجتماعی ملل متحد در سال ۱۹۸۵، مقرراتی موسوم به اصول سیراکوزا (Siracusa Principles) را به تصویب رساند که به محدودیت‌ها و تخطی از میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی می‌پردازند. اصل ۳۹ از اصول سیراکوزا، تهدید علیه حیات و موجودیت یک ملت را تهدیدی می‌داند که الف) کل جمعیت یا کل یا بخشی از سرزمین یک دولت را تحت تأثیر قرار دهد؛ و ب) یکپارچگی فیزیکی جمعیت، استقلال سیاسی یا یکپارچگی سرزمینی یا موجودیت یا کارکرد اساسی تأسیسات حیاتی برای تضمین و حمایت از حقوق شناسایی شده در میثاق را تهدید نماید (ECOSOC, 1985: Principle 40). چنان‌که برخی نویسندگان خاطرنشان کرده‌اند، تهدید حیات یک ملت صرفاً به معنای تجزیه احتمالی یک دولت در پی یک جنگ تمام‌عیار یا وضعیت مشابه آن نیست، بلکه بحران‌های با شدت کمتر را نیز دربر می‌گیرد که سازمان‌یافته حیات جامعه را به خطر می‌اندازند. این نکته تلویحاً بر این امر دلالت دارد که وضعیتی که سازوکار عادی دولت را دگرگون سازد و ثبات مستمر جامعه را به خطر اندازد، ممکن است [تهدیدی برای حیات ملت به‌شمار آید] به‌عنوان وضعیت اضطرابی توصیف گردد (قربان‌نیا، ۱۳۸۶: ۴۳-۴۴).

روی‌هم‌رفته، با سیر در مهم‌ترین اسناد حقوق بشری بین‌المللی، از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون منع شکنجه، کنوانسیون بین‌المللی حمایت از کلیه افراد در برابر ناپدیدسازی اجباری و اسناد قوام‌نایافته مانند اصول و قواعد ملل متحد به سال‌های ۱۹۸۸ و ۱۹۹۰ که در بالا به آنها استناد شد؛ با این توضیح که نتیجه ممنوعیت یک فعل یا ترک فعل در واقع مصونیت در برابر آن است، به نظر می‌رسد می‌توان مهم‌ترین حمایت‌ها و مصونیت‌های صورت‌گرفته در نظام بین‌المللی حقوق بشر از افراد تحت بازداشت در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی را از این قرار دانست: احترام به کرامت و منزلت انسانی، ممنوعیت تبعیض بر هر مبنایی، برخورداری از حق حیات و امنیت و آزادی شخصی، ممنوعیت به‌بردگی گرفتن، ممنوعیت ستم و شکنجه و هر رفتار خوارکننده و تزدیلی دیگر، منع آزمایش‌های پزشکی و زیست‌شناختی ناسازگار با اصول پزشکی، ممنوعیت بازداشت خودسرانه افراد، حق

برخورداری از دادرسی عادلانه، حق آزادی اندیشه و عقیده و مذهب، حق برخورداری از سطح معیشتی کافی برای سلامتی و بهزیستی شامل خوراک و پوشاک و مراقبت‌های پزشکی، ممنوعیت کار اجباری، حق دریافت خسارت در صورت بازداشت غیرقانونی و ناموجه، مبتنی بودن انحصاری هرگونه بازداشتی صرفاً بر اساس قانون، حق آگاهی از علل بازداشت، لزوم حاضر نمودن فوری فرد بازداشت‌شده نزد مقام قضایی و دادرسی یا آزادی وی در مدت معقول، حق دادخواهی فرد بازداشتی به دادگاه صالح و رسیدگی فوری و اظهار نظر دادگاه راجع به مشروعیت بازداشت یا صدور حکم آزادی در صورت عدم مشروعیت بازداشت، حق دریافت خسارت در بازداشت غیرقانونی، لزوم جداسازی بازداشت‌شدگان از محکومان و زندانیان و جداسازی کودکان از بزرگسالان و زنان از مردان و تصمیم‌گیری فوری درباره‌ی ایشان، قرار نگرفتن در معرض ناپدیدسازی اجباری، ممنوعیت نقض یا نقض تبعی آزادی‌های بنیادین یا کرامت بشری فرد در نتیجه‌ی گردآوری، پردازش و به‌کارگیری یا نگهداری اطلاعات شخصی شامل داده‌های پزشکی و ژنتیکی و

برخی از اسناد خاص حقوق بشری غیرالزام‌آور نیز منحصرأ در خصوص حمایت از حقوق مربوط به افراد تحت بازداشت به‌تصویب رسیده‌اند و بر مقررات ویژه‌ای جهت حمایت مؤثرتر از آن‌ها تأکید نموده‌اند. از جمله این اسناد می‌توان به مجموعه‌ی اصول برای حمایت از تمامی اشخاص تحت هرگونه بازداشت یا حبس (۱۹۸۸) اشاره نمود که بسیاری از اصول پیش‌گفته را مورد تأکید قرار داده است. علاوه بر این، در نظام بین‌المللی حقوق بشر، گروه‌های کاری ویژه در خصوص بازداشت خودسرانه با بازدیدهایی که از دولت‌های مختلف به‌عمل می‌آورند و گزارش‌هایی که تهیه و منتشر می‌سازند در جهت حمایت از حقوق افراد تحت بازداشت گام‌های به‌نسبت مؤثری برداشته‌اند.

کمیته‌ی حقوق بشر در تفسیر عام شماره‌ی ۳۵ به سال ۲۰۱۴، ابراز می‌دارد که «بازداشت امنیتی یا اداری، در صورت در دسترس بودن دیگر اقدامات مؤثر برای رویارویی با تهدید مربوطه، بازداشت خودسرانه به‌شمار می‌آید. اگر در استثنایی‌ترین اوضاع و احوال، برای توجیه بازداشت اشخاصی که چنان تهدیدی از آنها ناشی می‌شود، به تهدیدی جاری، مستقیم و حتمی استناد گردد، بار اثبات بر دوش دولت‌ها خواهد بود که نشان دهند افراد موردنظر تهدید یادشده را تحمیل می‌نمایند و بار اثبات نیز با توجه به مدت زمان بازداشت، افزایش می‌یابد. افزون بر این، کل مدت زمان بازداشت احتمالی محدود و لازم است دولت‌ها به صورت تام‌وتمام تضمین‌های مقرر در ماده‌ی ۹ را در همه‌ی موارد رعایت نمایند» (HRCCom, 16) (December 2014: para. 15).

شعب بدوی و تجدیدنظر دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق در چند پرونده در خصوص غیرنظامیانی که در خلال مخاصمات مسلحانه به صورت خودسرانه دستگیر شده‌اند به اعلام نظر و صدور رأی مبادرت ورزیده‌اند و شرایط گوناگونی را برشمرده‌اند که بر اساس آنها بازداشت خودسرانه می‌تواند

موجب شکل‌گیری جنایت علیه بشریت شود. طبق نظر شعبهٔ دادرسی دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق در پروندهٔ کرنیلاک (Krnjelac) در ۱۵ مارس ۲۰۰۲، این شرایط عبارت‌اند از: «(۱) فرد از آزادی محروم شود؛ (۲) محرومیت از آزادی خودسرانه باشد، یعنی برای توجیه سلب آزادی نتوان به مبنایی قانونی استناد جست؛ (۳) فعل یا ترک فعلی که از رهگذر آن، فرد مربوطه از آزادی جسمی خویش محروم شده، از سوی متهم یا شخص یا اشخاصی که متهم به سبب آنها مسئولیت کیفری دارد و به قصد سلب خودسرانهٔ آزادی جسمی فرد یا با علم معقول به اینکه فعل یا ترک فعل او به احتمال فراوان موجب سلب خودسرانهٔ آزادی جسمی می‌گردد انجام پذیرفته باشد» (ICTY, 15 March 2002: para. 15). شعبهٔ دادرسی همین دادگاه در پروندهٔ گردیچ و سیرکیز (Kordic and Cerkez) در ۲۶ فوریه ۲۰۰۱، ابراز داشت که «سلب آزادی فرد بدون طی فرایند قانونی مقتضی به‌عنوان بخشی از حملهٔ گسترده یا نظام‌مند علیه یک جمعیت غیرنظامی باید حبس خودسرانه محسوب شود» (ICTY, 26 February 2001: para. 302).

همچنین در پروندهٔ دلالیچ و موسیک (Delalic and Mucic) در ۲۰ فوریهٔ همان سال، شعبهٔ تجدیدنظر دادگاه توضیح داد که اقدام استثنایی محدودسازی ارادهٔ یک فرد غیرنظامی تنها زمانی قانونی خواهد بود که مقررات مواد ۴۲ و ۴۳ کنوانسیون چهارم ژنو رعایت شده باشد (ICTY, 20 February 2001: paras 322 & 327). از این رو، هنگامی که این شرایط محقق نشود، بازداشت یا محدودسازی غیرنظامیان خودسرانه خواهد بود. همچنین، شعبهٔ تجدیدنظر دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق، به مسئولیت کیفری اشخاص مسئول در اردوگاه‌ها و مراکز بازداشت پرداخته است. برای نمونه، در قضیهٔ پیش‌گفته، ابراز می‌دارد زمانی که فرماندهٔ اردوگاه، اقتدار و اختیار آزادسازی بازداشت‌شدگان غیرنظامی را دارد و در اعمال آن کوتاهی می‌ورزد، با تحقق دو شرط مرتکب جرم محدودسازی غیرقانونی غیرنظامیان می‌گردد: (۱) هیچ مبنای معقولی برای اینکه بازداشت‌شدگان مخاطره‌ای واقعی بر امنیت دولت تحمیل کنند در اختیار ندارد؛ یا (۲) می‌داند تضمین‌های شکلی مقتضی به آنان اعطا نشده است.

۴. مطالعهٔ موردی قضیهٔ سردار محمد علیہ وزارت دفاع انگلستان

یکی از کشورهایی که بحث حمایت از بازداشت‌شدگان درگیری‌های مسلحانهٔ غیربین‌المللی در چارچوب نظام حقوقی آن قابل بررسی می‌نماید، انگلستان است. این داعیه زمانی تأیید می‌شود که بدانیم در چارچوب موضوع این مقاله، تصمیم دادگاه عالی بریتانیا در پروندهٔ سردار محمد علیہ وزارت دفاع گسترده‌ترین تحلیل را از موضوع مورد بحث این نوشتار ارائه کرده و به بسیاری از مسائل حقوقی بنیادین پیرامون حمایت از بازداشت‌شدگان پرداخته است. «سردار محمد، در جریان یک عملیات نظامی در شمال هلمند در افغانستان به تاریخ ۷ آوریل ۲۰۱۰ به‌دست نیروهای مسلح بریتانیا دستگیر شد. وی تا ۲۵ ژوئیه

۲۰۱۰ در پایگاه‌های نظامی بریتانیا در افغانستان زندانی بود و بعدها به بازداشتگاه تحت صلاحیت نیروهای افغان منتقل گردید. قرار بود بازداشت او در ۸ آوریل ۲۰۱۰ از سوی کمیته بررسی بازداشت در کمپ باستیون (Bastion Camp) بررسی گردد و پس از آن تا ۴ می ۲۰۱۰ لازم بود هر ۷۲ ساعت مورد بازبینی قرار گیرد، ولی این امر با امتناع مقامات ذیصلاح بریتانیا همراه شد. سردار محمد از ۶ می تا ۲۵ ژوئیه ۲۰۱۰ تحت توقیف تدارکاتی (Logistical detention) در انتظار انتقال بود» (EWHC, 2014: para. 110). وی طی شکایتی علیه وزارت دفاع بریتانیا ادعا کرد که بازداشت او بر اساس قواعد حقوق بشر و قانون افغانستان، غیرقانونی بوده و به این دلیل به استناد ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و بخش ۸ قانون حقوق بشر بریتانیا (۱۹۹۸) (UK Public General Acts, Human Rights Act) (1998) ادعای غرامت نمود، اما وزارت دفاع این ادعا را در سطوح مختلف رد کرد.

نیروهای مسلح بریتانیا از سال ۲۰۰۱ و با قطعنامه ۱۳۸۶ شورای امنیت تحت فصل هفتم منشور در قالب نیروهای چندملیتی کمک به امنیت (آیساف) (ISAF) با موافقت دولت افغانستان در این کشور حضور یافتند. لازم به ذکر است که قطعنامه شورای امنیت: ۱) حاکمیت و استقلال افغانستان را به رسمیت شناخته و مسئولیت تأمین نظم و امنیت در سراسر کشور را با دولت افغانستان دانسته است؛ ۲) به آیساف مأموریت داده است تا به دولت افغانستان برای بهبود وضعیت امنیتی کمک کند؛ و ۳) به کشورهای عضو سازمان ملل که در آیساف شرکت داشتند، اجازه داد تا تمامی اقدامات ضروری را برای اجرای مأموریت خود انجام دهند. در ۱۴ ژانویه ۲۰۰۲، یک موافقت‌نامه فنی نظامی بین آیساف و اداره موقت افغانستان منعقد شد (موافقت‌نامه بن) که مقرر می‌داشت هرگونه بازداشت در خاک افغانستان صرفاً به مدت ۹۶ ساعت مجاز بوده، پس از آن فرد بازداشت‌شده باید آزاد گردد یا به مقامات افغان تحویل داده شود. توجه به این نکته حائز اهمیت است که این موافقت‌نامه منعکس‌کننده یک هنجار اساسی حقوق بین‌الملل است که در قلمرو افغانستان مسئولیت حاکمیت قانون و حفظ نظم عمومی برعهده مقامات افغان نهاده شده است (ICRC, 2017: paras. 31-32). گروه کاری بازداشت‌های خودسرانه در توصیه‌های خود، از دولت‌ها می‌خواهد که حفاظت از حق آزادی فرد را تحت قوانین بین‌المللی عرفی مورد حمایت قرار داده، در جهت حصول اطمینان از اینکه افراد برای مدتی بیش از مدت مقرر در قانون در بازداشت موقت نگهداری نمی‌شوند و همچنین به سرعت نزد قاضی آورده می‌شوند، تلاش نمایند (Human Rights Council, 2014: 1-2).

در کنوانسیون‌های ژنو بریتانیا (۱۹۵۷) و اصلاحیه‌های ۱۹۹۵ و ۲۰۰۹ آن مقرر شده است: «...این قانون برای هیچ‌یک از عملیات سازمان ملل که از سوی شورای امنیت به‌عنوان یک اقدام اجرایی تحت فصل هفتم منشور ملل متحد مجاز گردیده، ... که در آن کارکنان سازمان ملل به‌عنوان مبارز علیه

نیروهای مسلح سازماندهی شده شرکت می‌کنند، قابل اعمال نخواهد بود و چنین مواردی تحت حاکمیت حقوق درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی قرار خواهد گرفت»^۱. راهبرد دولت بریتانیا در مورد حمایت از غیرنظامیان در درگیری‌های مسلحانه (۲۰۱۰) نیز این نکته را مورد تأکید قرار می‌دهد. هنگامی که ادعایی در دادگاه‌های انگلیس برای جبران یک عمل غیرقانونی که در خارج از کشور رخ داده است طرح می‌شود، بخش ۱۱ قانون بین‌الملل خصوصی بریتانیا (۱۹۹۵) قاعده کلی را تعیین می‌کند که بنابر آن، قانون قابل اعمال، قانون کشوری است که وقایع تشکیل‌دهنده جرم در آن رخ داده است.^۲ در مورد حاضر، تمام وقایع مربوطه در افغانستان صورت گرفته و بنابراین، طبق قاعده حل تعارض بریتانیا، قانون قابل اجرا، قانون افغانستان است.

برای بررسی قوانین افغانستان در خصوص موضوع و بازه زمانی مورد بحث، مهم‌ترین قانون لازم‌الاجرا در زمان وقوع جرم، فصل دوم قانون اساسی افغانستان تحت عنوان حقوق اساسی و وجایب اتباع است. از جمله ماده ۲۴ بیان می‌دارد: «آزادی حق طبیعی انسان‌هاست. این حق هیچ محدودیتی ندارد، مگر اینکه بر آزادی‌های دیگران و منافع عمومی که توسط قانون تنظیم می‌شود تأثیر بگذارد...». ماده ۲۵ اصل را بر برائت قرار داده و مقرر نموده است که متهم تا زمانی که جرمش به حکم دادگاه معتبر ثابت نشود بی‌گناه است. بر اساس ماده ۲۷ «... هیچ کس را نمی‌توان بدون تصمیم دادگاه صالح ... مجازات کرد» و در نهایت بر مبنای ماده ۳۱ «متهم حق دارد بلافاصله پس از دستگیری از ماهیت اتهام مطلع شده و در مهلت مقرر در قانون در دادگاه حاضر شود»^۳. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که تحت قانون افغانستان، بازداشت سردار محمد از سوی نیروهای مسلح بریتانیا از ۱۰ آوریل تا ۲۵ ژوئیه ۲۰۱۰ غیرقانونی بوده است و قانون افغانستان به او حق دریافت غرامت برای این بازداشت را می‌دهد.

«در مواجهه با طرح دعوی سردار محمد، برخی این ابهام را مطرح نموده‌اند که چرا یک شهروند افغانستان که طرف کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیست، باید در مورد رویدادهایی که در قلمرو افغانستان رخ داده است، طبق کنوانسیون اروپایی از حقوقی برخوردار باشد» (ICRC, 2017: para. 117). گفتنی است تصمیم دیوان عالی بریتانیا به دنبال تصمیم دادگاه اروپایی حقوق بشر اتخاذ گردید، مبنی بر اینکه به مفهوم صلاحیت در ماده ۱ کنوانسیون باید معنای موسعی داده شود؛ به طوری که وضعیت‌هایی را که در آن‌ها یک دولت متعهد بر فردی خارج از قلمرو تحت صلاحیت خود قدرت و کنترل فیزیکی اعمال می‌کند نیز پوشش دهد. بدیهی است که اصطلاح «صلاحیت قضایی» (Jurisdiction) در ماده ۱ باید اساساً با ارجاع به سرزمینی که یک دولت بر آن حاکمیت دارد، درک شود. ماهیت اساساً سرزمینی صلاحیت تحت

1. The UK Geneva Conventions Act (1957), Amendments 1995, 2009.

2. Parliament of the United Kingdom, Private International Law (Miscellaneous Provisions) Act 1995.

3. قانون اساسی افغانستان، مصوب ۱۳۵۷/۱۱/۲۲، <https://rc.majlis.ir>

ماده ۱ پیش‌تر در قضیه بانکوویچ علیه بلژیک از سوی دادگاه اروپایی تأیید شده است. دیوان این دیدگاه را تأیید کرد که ماده ۱ منعکس‌کننده مفهومی اساساً سرزمینی از صلاحیت بوده، هرگونه کاربرد فراسرزمینی آن وضعیتی استثنایی خواهد داشت. همچنین اشاره کرد که برای ایجاد صلاحیت فراسرزمینی، بر اساس اصل «کنترل مؤثر» (Effective control) لازم است اثبات شود که یک دولت چنین کنترلی بر منطقه‌ای از قلمرو و ساکنان آن دارد و این امر مستلزم آن است که دولت «به‌عنوان پیامد نظامی اشغال یا از طریق رضایت، دعوت یا موافقت دولت آن سرزمین، تمام یا برخی از اختیارات عمومی را که معمولاً از سوی آن دولت اعمال می‌شود، در اختیار بگیرد» (ECHR, 2001: para. 61).

لذا در بررسی مسئله صلاحیت سرزمینی، فرض نگارندگان بر این است که سربازان بریتانیایی که سردار محمد را دستگیر و بازداشت نمودند، به‌عنوان مأموران بریتانیا عمل کردند و بریتانیا در قبال کنوانسیون و قواعد حقوق بشری پاسخگوی اقدامات آنهاست. «نیروهای مسلح کشور متخصصی که در یک درگیری مسلحانه شرکت می‌کنند، شامل تمام نیروهای سازمان‌یافته، گروه‌ها و واحدهایی هستند که تحت فرماندهی آن طرف قرار دارند. با این حال، وزارت دفاع این موضوع را رد کرد و استدلال نمود که دولت بریتانیا از نظر قانونی مسئول اقدامات نیروهای مسلح خود نیست، زیرا آنها به‌عنوان بخشی از آیساف تحت دستور شورای امنیت عمل می‌کردند و مسئولیت قانونی اقدامات آنها صرفاً برعهده سازمان خواهد بود» (ICRC, 2017: para. 69). در قضایای بهرامی علیه فرانسه و سارامتی علیه فرانسه، آلمان و نروژ (۲۰۰۷)، دیوان اروپایی حقوق بشر به مسائل مربوط به انتساب در خصوص فعالیت‌های دولت موقت در کوزوو و حضور امنیتی نیروهای KFOR توجه داشت. دیوان تشخیص داد که «بازداشت آقای سارامتی صرفاً به سازمان ملل نسبت داده می‌شود؛ چراکه شورای امنیت اختیار و کنترل نهایی را بر اقدامات عملیاتی حفظ کرده است» (ECHR, 2007: 2).

اما این استدلال در پرونده سردار محمد چندان قابل استماع به‌نظر نمی‌رسد، چراکه بریتانیا سیاست بازداشت مستقل خود را در افغانستان ایجاد کرد که اساساً با سیاست آیساف متفاوت بوده است. علاوه بر این، سلسله‌مراتب فرماندهی برای مجوز بازداشت که در دستورالعمل عملیاتی استاندارد آیساف تعیین شده بود، نشان می‌دهد که مقام بازداشت، فرمانده پشتیبانی نیروی مشترک بود که مستقیماً به ستاد مشترک دائمی بریتانیا و به‌نوبه خود به وزارت دفاع گزارش می‌داد. در مقابل، رابطه بین مقام بازداشت بریتانیا و فرماندهی آیساف فقط ارتباط و هماهنگی بوده است. این واقعیت که بریتانیا یادداشت تفاهمی با دولت افغانستان در مورد انتقال زندانیان به صورت دوجانبه و نه از طریق آیساف منعقد کرده، قرینه‌ای است بر این ادعا که بریتانیا سیاست و رویه بازداشت خود را در افغانستان اجرا کرده است. خط مشی بازداشت بریتانیا که دستگیری سردار محمد نیز بر مبنای آن صورت پذیرفت، با سیاست آیساف متفاوت بود و بارزترین تفاوت این بود که تحت سیاست آیساف، سردار محمد نمی‌توانست بیش از ۹۶ ساعت در

بازداشت بماند؛ درحالی که بر اساس راهبرد بریتانیا بازداشت وی برای مدت طولانی‌تری مجاز محسوب می‌شد. در این شرایط، حتی فرض مسئولیت مشترک سازمان ملل و بریتانیا نیز دور از ذهن خواهد بود. پر واضح است که مجوز شورای امنیت برای انجام همه اقدامات لازم نیز شامل بازداشت به مدتی بیش از آنچه که برای تحویل فرد بازداشت‌شده به مقامات افغانستان ضروری بود، نمی‌شد، بلکه درحقیقت این سیاست بازداشت آیساف بود که اجازه بازداشت را تا ۹۶ ساعت داده، در محدوده مجوزهای صادرشده از سوی شورای امنیت سازمان ملل می‌گنجید. با این حال، سیاست ملی بریتانیا که به وزرای این کشور اجازه می‌داد این مدت را به‌منظور «منافع اطلاعاتی» تمدید کنند، از سوی شورای امنیت مجاز شمرده نشده است. نتیجه این است که دستگیری و دوره اولیه بازداشت سردار محمد بر اساس قوانین بین‌المللی مجاز بوده و در تطابق با اهداف ماده ۵(۱) قرار داشته، ولی هیچ مبنای قانونی برای ادامه بازداشت وی پس از ۹۶ ساعت در قوانین ملی و بین‌المللی وجود نداشته است.

روشن است که بازداشت برای مدت طولانی‌تر با الزام برای معرفی سریع فرد به ضابط قضایی سازگار نیست. بنابراین، حتی اگر به این نتیجه رسیده بودیم که سیاست بریتانیا برای بازداشت سردار محمد طبق قطعنامه ۱۸۹۰ شورای امنیت مجاز بوده است، بازداشت وی به مدت ۱۱۰ روز بدون حضور قاضی، نقض فاحش ماده ۵(۳) را شکل می‌داد. ما بر این باوریم که حداقل تضمین‌های حقوقی اصلی مورد نیاز در موازین بین‌المللی حقوق بشر در مورد سردار محمد رعایت نشده است. لازم به ذکر است که در رسیدگی به ادعای وزارت دفاع، دیوان عالی نیز معتقد بود که «شورای امنیت کنترل مؤثر بر آیساف داشت، به معنایی که لازم بود اعمال آیساف به سازمان ملل نسبت داده شود، اما نه فرمانده آیساف و نه هیچ‌یک از مقامات بازداشتگاه آیساف اجازه بازداشت سردار محمد را ندادند. برعکس، او از سوی بریتانیا و بر اساس سیاست و رویه بازداشت این دولت دستگیر شد» (EWHC, 2014: para. 303).

استدلال دیگری که از سوی وزارت دفاع مطرح شد این بود که «توانایی بازداشت شورشیان، در جریان مخاصمات، نتیجه ضروری مجوز کشتن آنهاست و کسانی که در یک عملیات نظامی شرکت می‌کنند باید بتوانند تسلیم کسی را که تهدیدی برای آنها و مأموریتشان است بپذیرند و بدون استفاده از نیروی کشنده با دشمن درگیر شوند» (High Court of Justice, Queen's Bench Division, 2014: para. 252). به‌نظر می‌رسد که چنین استدلالی دستگیری شخصی را که ممکن بود به صورت قانونی کشته شود توجیه می‌کند، اما فراتر از آن نمی‌رود. این استدلال دستگیری سردار محمد را در شرایطی که تصور می‌شد وی یک تهدید قریب‌الوقوع است، مجاز می‌ساخت؛ با این حال، به محض اینکه او بازداشت شد و استفاده از زور کشنده علیه او قابل توجیه نبود، این استدلال دیگر مبنایی برای ادامه بازداشت او فراهم نمی‌کرد؛ چراکه شرایط تهدید قریب‌الوقوع وی خاتمه یافته بود.

دیگر استدلال وزارت دفاع این بود که ماده ۳ مشترک و پروتکل الحاقی دوم به‌طور ضمنی اجازه

بازداشت در یک درگیری مسلحانه غیربین‌المللی را داده است و بنابراین اینها منابع قدرت بازداشت بودند. این وزارت اظهار داشت که فرض وجود قواعدی در این مواد برای حمایت از افراد بازداشت‌شده در یک درگیری مسلحانه غیربین‌المللی این است که قدرت ذاتی برای بازداشت وجود دارد، مشروط بر اینکه مطابق با قوانین انجام شود. به نظر می‌رسد که از نظر حقوقی هنوز بین قواعد حقوقی حاکم بر درگیری مسلحانه بین‌المللی و قوانین حاکم بر درگیری مسلحانه غیربین‌المللی، تمایز وجود دارد. جالب آنجاست که هسته اصلی ادعای سردار محمد نیز این گزاره بود که ماده ۳ مشترک و پروتکل الحاقی دوم حداقل استانداردهای رفتاری را برای کسانی که در یک درگیری مسلحانه غیربین‌المللی بازداشت شده‌اند مقرر می‌دارند. می‌توان گفت این سؤال که آیا چنین بازداشتی عملاً از سوی قانون مجاز است یا نه، به قوانین بین‌المللی بشردوستانه مرتبط نبوده، بلکه به قوانین داخلی یا مقررات شورای امنیت بستگی دارد. همچنین، رویکرد غالبی که در ادبیات حقوق بین‌الملل بشردوستانه پیش روی ما قرار می‌گیرد این است که قدرت بازداشت در یک درگیری مسلحانه غیربین‌المللی باید از جانب قانون داخلی محلی که بازداشت در آن صورت گرفته است تعیین شود. از سوی دیگر، حقوق بشردوستانه عرفی نیز در خصوص جواز یا منع بازداشت در درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی ساکت است و صرفاً به توصیف حداقل شرایطی می‌پردازد که در حقوق بین‌الملل بشردوستانه برای کسانی که بازداشت می‌شوند لازم دانسته شده است. دادگاه عالی بریتانیا نیز به درستی معتقد بود که حقوق بشردوستانه مجوز بازداشت در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی را مقرر نمی‌دارد. در جریان رسیدگی به قضیه مورد بحث در دادگاه تجدیدنظر بریتانیا، این دادگاه بیان داشت که با دادگاه عالی بریتانیا در این نکته موافق است که در حقوق بشردوستانه عرفی و معاهداتی، برای مخاصمات غیربین‌المللی هیچ مرجع مشخص و صریحی برای بازداشت وجود ندارد (Court of Appeal (Civil Division), 2015: 165-168). بازداشت سردار محمد بیش از ۹۶ ساعت با بند ۱ ماده ۵ کنوانسیون مطابقت داشت، اما تا آنجا که وی به دلایل ضروری امنیتی بازداشت می‌شد. لذا ادامه بازداشت او پس از ۱۱ آوریل ۲۰۱۰ مشمول ماده ۵(۱) کنوانسیون نبود. در عین حال، ترتیبات بازداشت غیرقانونی وی نیز با ماده ۵(۴) کنوانسیون سازگار نبوده، زیرا هیچ ابزار مؤثری برای اعتراض قانونی به بازداشت خود نداشته است.

۵. چالش‌های فراروی حمایت از بازداشت‌شدگان در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی

بروز مشکلات بشردوستانه و مرتبط با حقوق بشر در درگیری‌های مسلحانه معاصر، نه تنها ناشی از فقدان هنجارهاست، بلکه از عدم رعایت و اجرای این قوانین سرچشمه می‌گیرد. در روزگار کنونی، یکی از مهم‌ترین چالش‌های اجرای حقوق بین‌الملل در کل و قواعد مربوط به حمایت از بازداشت‌شدگان به‌طور

خاص، دشواری پابندسازی طرف یا طرف‌های غیردولتی مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی به موازین موجود حقوق بشردوستانه و حقوق بشر در این زمینه است. ناتوانی این گروه‌ها در پیوستن به معاهدات و ابتنای سازمان کنونی حقوق بین‌الملل و حقوق بشر بر نظام وستفالیایی، یکی از اصلی‌ترین موانع التزام آنها به قواعد حقوق بشر و حقوق بشردوستانه به‌شمار می‌رود. معارضان مسلح انگیزه‌ای برای رعایت موازین بین‌المللی ناظر بر درگیری‌های مسلحانه داخلی اعم از بشردوستانه و حقوق بشری ندارند، بلکه تلاش می‌کنند به هر شکل ممکن در جنگ پیروز شوند تا به‌عنوان طرف غالب، از خطر مجازات، چه برای شرکت در جنگ و چه برای نقض قواعد حاکم بر جنگ، برهند (ممتاز و رنجبریان، ۱۳۹۳: ۱۱۷-۱۱۶).

با این حال، «با قدرت‌گیری فزاینده نیروهای مسلح غیردولتی، دیگر نمی‌توان آرمان حمایت و رعایت اصول اولیه انسانی را تنها در رفتار دولت‌ها انتظار داشت» (خلف رضایی، ۱۳۹۸: ۲۵۲). شورای امنیت در قطعنامه‌های بی‌شماری در مقام حل و فصل منازعات داخلی، خطاب به «طرف‌های متخاصم»، از آنها خواسته است تا حقوق بشردوستانه را رعایت کنند. به باور صاحب‌نظران حقوق بین‌الملل، «اینکه شورای امنیت، به‌روشنی همه طرف‌های درگیر در مخاصمه‌ها را به رعایت حقوق بشردوستانه فرا می‌خواند، به این معنی است که افزون بر نیروهای حکومت و دولت، نیروهای شورشی یا طرف غیردولتی مخاصمه نیز چنین تکلیفی بر دوش دارند. به همین دلیل بود که کمیسیون حقوق بین‌الملل نیز در ماده ۱۰ طرح مسئولیت دولت‌ها مصوب سال ۲۰۰۱، رفتار جنبش شورشی را زمانی که قدرت به دست آنان می‌افتد و موفق به تشکیل حکومت جدید می‌شوند، طبق حقوق بین‌الملل به‌مثابه عمل آن دولت به‌شمار می‌آورد» (نقل شده در: ممتاز و رنجبریان، ۱۳۹۳: ۱۱۹-۱۱۸). بدیهی است که در این بافت، طرف‌های غیردولتی درگیری‌های غیربین‌المللی، به طریق اولی ملزم به رعایت موازین حقوق بشری از جمله در قبال بازداشت‌شدگان هستند.

کاستی‌های چشمگیرتر قواعد موجود در زمینه حمایت از گروه‌هایی که به‌واسطه آسیب‌پذیری خود در هنگام بحران و اضطراب در وضعیت آسیب‌پذیری مضاعف قرار دارند و بیش از پیش در معرض نقض حقوق بشر و تعدی به حرمت و کرامت انسانی خویش هستند، از دیگر چالش‌های فراروی حمایت از بازداشت‌شدگان در این گونه درگیری‌ها محسوب می‌شود. مصداق بارز چنین گروه‌هایی را می‌بایست زنان، کودکان، سالخورده‌گان و ازکارافتادگان دانست که در این بافت در بازداشت به‌سر می‌برند. از این رو، حمایت ویژه از این افراد و گروه‌ها در هر موقعیتی و به‌ویژه وضعیت‌هایی همچون بازداشت، به‌خصوص اگر طرف بازداشت‌کننده گروه مسلح غیردولتی باشد، اهمیت و ضرورتی کم‌نظیر دارد و نبود یا کمبود قواعد حمایتی در این حوزه، خسروانی جبران‌ناپذیر به‌شمار می‌آید.

یکی از اصلی‌ترین قربانیان جنگ و پیامدهای ناگوار آن را باید زنان دانست. گویی خشونت جنسی علیه زنان و دختران در طی درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی، به بخش جدایی‌ناپذیر جنگ‌ها مبدل شده و همواره در تاریخ رواج یافته و حتی به‌عنوان ابزار و روشی جنگی برای تضعیف

دشمن به کار رفته است (خالقی و برزگر، ۱۳۹۹: ۸). تاریخ، جنایات جنسی صرب‌ها علیه زنان مسلمان کروات و رفتار سراسر وحشیانه گروه ضدانسانی داعش علیه زنان کُرد ایزدی را از یاد نبوده است. به نظر می‌رسد در بافت بازداشت درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی، از میان گروه‌های آسیب‌پذیر یادشده، می‌بایست توجه ویژه‌ای به زنان و دختران مبذول گردد. چون احتمال نگهداری بازداشت‌شدگان زن و مرد در مکانی واحد به‌ویژه در جریان درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی و خصوصاً از سوی گروه‌های مسلح غیردولتی بسیار بالاست و همین امر به طرز چشمگیری امکان انواع خشونت جنسی و جسمی را علیه بازداشت‌شدگان زن افزایش می‌دهد. البته در این میان، نباید از تأثیرات ویرانگر جداسازی کودکان از والدین و به‌ویژه مادران چشم‌پوشی کرد.

البته در ساحت حقوق بین‌الملل، در کنار کاستی‌ها و کمبودهای هنجاری و چه‌بسا مهم‌تر از آنها، گاه عدم رعایت هنجارهای موجود و بیم نامحترم‌شماری هنجارهای آینده نیز بسیار خودنمایی می‌کند. زیرا همان‌گونه که پژوهشگران بیان داشته‌اند، مشکل جامعه بین‌المللی تنها به کمبود و نواقص مقررات در عرصه‌های گوناگون بین‌المللی ختم نمی‌شود، بلکه در برخی موارد، نوعی تورم و افزایش مقررات وجود دارد. وجود هنجارهای پرشمار بین‌المللی در زمینه‌های گوناگون، اگر با ضمانت اجرای واقعی همراه نباشد، ارزش چندانی نخواهد داشت. این مقررات زمانی می‌تواند به‌خوبی روابط بین‌المللی را به‌نظم درآورد که از سازوکارهای درست اجرایی برخوردار باشد و بیش و پیش از هر موجودیت دیگری، از سوی تابعان اصلی حقوق بین‌الملل، یعنی دولت‌ها، حمایت شود و در عرصه عملی مورد احترام قرار گیرد (مؤذن‌زادگان و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰).

۶. نتیجه‌گیری

حقوق بین‌الملل برای نگاهداشت کارآمدی خویش، در هر شرایطی ناگزیر از توجه به وضعیت انسان است و از این دریچه، بایستگی توجه جدی‌تر به درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی و مسائل مطرح در آن تجلی پیدا می‌کند. بی‌گمان مقوله حمایت از بازداشت‌شدگان در شمار چالش‌برانگیزترین موضوعات مورد بحث در درگیری‌هاست. چنین می‌نماید که حقوق بین‌الملل موجود در خصوص این موضوع حیاتی بسنده نبوده، سازوکارهای موجود در این حوزه برای نیل به هدف مبنایی نظام بین‌المللی حقوق بشر، یعنی پاسداشت کرامت انسانی، کارآمدی لازم را دارا نیست. بر این اساس، باید راهکارهایی را برای زدودن این کاستی واجد اهمیت اندیشید تا سازمان حقوق بین‌الملل در کل از اتهام نابسندگی در امان بماند.

قضیه سردار محمد، با تحلیلی گسترده از موضوعات و مقولات حقوقی گوناگون مرتبط با مسئله بازداشت درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی و مباحث مطرح‌شده در خصوص حمایت از بازداشت‌شدگان در این دست درگیری‌ها، بر لایه‌های کمتر پیدای این چالش جدی برای حمایت از شأن

و کرامت انسان در درگیری‌های جاری مناطق گوناگون جهان و به‌ویژه منطقهٔ بلاخیز خاورمیانه نور افکنده و زوایایی از آن را روشن ساخته است. به‌ویژه، کاستی‌ها و کمبودهای تقنینی و اجرایی مرتبط با بحث بازداشت و بازداشت‌شدگان، از رهگذر تحلیل‌ها و استدلال‌های طرفین و نیز دادگاه رسیدگی‌کننده، بیش از پیش نمایان می‌شود و بایستگی رفع و کاهش آنها جلوه‌گری می‌کند.

افزون بر خلأهای عمومی در خصوص مقولهٔ بازداشت و حمایت از بازداشت‌شدگان درگیری‌های مسلحانهٔ بین‌المللی در نظام بین‌المللی حقوق بشر، از جمله دشواری پابندسازی گروه‌های مسلح غیردولتی به قواعد حقوق بین‌الملل بشر در بافت بازداشت، یکی از چالش‌های جدی موجود در بحث بازداشت‌شدگان درگیری‌های مسلحانهٔ غیربین‌المللی، کاستی‌ها و نقاط ضعف نظام جاری در حمایت از افرادی است که به‌واسطهٔ شرایط خود در موقعیت آسیب‌پذیری مضاعف قرار دارند. نمونهٔ بارز چنین افرادی را می‌توان زنان، کودکان، کهن سالان و ازکارافتادگان تحت بازداشت دانست. به‌ویژه امکان ارتکاب خشونت جنسی علیه زنان و دختران به سبب احتمال گردآوری زنان و مردان بازداشت‌شده در مکانی واحد در جریان درگیری‌های مسلحانهٔ غیربین‌المللی بسیار بالاست و همین امر بایستگی توجه ویژه به این گروه‌ها را دوچندان می‌کند.

تداوم اوضاع موجود، برآیندی جز شکست حقوق بین‌الملل در پاسداشت کرامت انسانی ندارد و هدف نظام موصوف به پشتیبان جایگاه و منزلت انسان دایر بر حمایت از انسانیت را به امری خیالی مبدل می‌سازد. از این رو، جامعهٔ بین‌المللی باید در این زمینه چاره‌اندیشی کند و برای نمونه از رهگذر اسناد جامع جدید در این راستا، حمایت‌های موجود را افزایش دهد و سازوکارهای حمایتی بیشتری را در این حوزه تعبیه نماید. به باور نگارندگان، یکی از شیوه‌ها و راهکارها برای چیرگی بر چالشی این‌چنینی، توجه جدی‌تر به امر بازداشت و وضعیت بازداشت‌شدگان درگیری‌های مسلحانهٔ غیربین‌المللی در قالب سازوکارهای حقوق بشری و بشردوستانهٔ منطقه‌ای و بین‌المللی، به‌ویژه در چارچوب نظام ملل متحد است.

منابع

الف) فارسی

۱. ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۶). *حقوق بین‌الملل بشردوستانه*. چاپ چهارم، تهران: کتابخانهٔ گنج دانش.
۲. قاری سیدفاطمی، سید محمد (۱۳۸۸). *حقوق بشر در جهان معاصر؛ دفتر دوم: جستارهایی تحلیلی از حق‌ها و آزادی‌ها*. چاپ اول، تهران: شهر دانش.
۳. قربان‌نیا، ناصر (۱۳۹۰). *حقوق بشر و حقوق بشردوستانه*. چاپ دوم، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشهٔ اسلامی.
۴. ممتاز، جمشید و رنجبریان، امیرحسین (۱۳۹۳). *حقوق بین‌الملل بشردوستانه؛ مختصات مسلحانهٔ داخلی*.

- چاپ چهارم، تهران: نشر میزان.
۵. اسمعیل پور، حامد و شریعت باقری، محمدجواد (تابستان ۱۳۹۳). کاوش در مفهوم و جایگاه حق آزادی و امنیت شخصی. *مجله حقوقی دادگستری*، ۷۸ (۸۶)، ۳۳-۷.
۶. خالقی، علی و برزگر، محمدرضا (نیمسال دوم ۱۳۹۹). خشونت جنسی علیه زنان ایزدی به‌مثابه نسل‌زدایی؛ با تأکید بر رأی دادگاه بین‌المللی رواندا در پرونده آکایسو. *پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی*، ۸ (۱۶)، ۳۱-۷.
۷. خلف رضایی، حسین (پاییز و زمستان ۱۳۹۸). گروه‌های مسلح فراملی و اجرای حقوق بشردوستانه بین‌المللی. *مجله حقوقی بین‌المللی*، ۳۶ (۶۱)، ۲۷۹-۲۵۱.
۸. شاملو، باقر و یوسفی، ابوالفضل (زمستان ۱۳۹۵). وضعیت اضطرار عمومی در نظام بین‌المللی حقوق بشر. *مجله حقوقی دادگستری*، ۸۰ (۹۶)، ۱۲۸-۱۰۹.
۹. قربان‌نیا، ناصر (بهار ۱۳۸۶). تعلیق اجرای حقوق بشر در شرایط اضطراری. *حقوق اسلامی*، ۳ (۱۲)، ۶۲-۳۷.
۱۰. مؤذن‌زادگان، حسنعلی؛ حیدری، محمدعلی و نیکومنظری، امین (پاییز ۱۳۹۲). خصومت‌های مسلحانه و خشونت علیه زنان و کودکان از منظر مقررات بین‌المللی. *زن و فرهنگ*، ۵ (۱۷)، ۲۰-۹.

(ب) انگلیسی

1. African Charter on Human and Peoples' Rights (27 June 1981). CAB/LEG/67/3 rev. 5, 21 I.L.M. 58 (1982).
2. Arab Charter on Human Rights (15 September 1994).
3. Committee against Torture (2010). Annual Report 2009-2010. UN Doc. A/65/44.
4. Convention (I) for the Amelioration of the Condition of the Wounded and Sick in Armed Forces in the Field (12 August 1949).
5. Convention (II) for the Amelioration of the Condition of Wounded, Sick and Shipwrecked Members of Armed Forces at Sea (12 August 1949).
6. Convention (III) relative to the Treatment of Prisoners of War (12 August 1949).
7. Convention (IV) relative to the Protection of Civilian Persons in Time of War (12 August 1949).
8. Convention against Torture and Other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment (10 December 1984).
9. Crawford, E. (2019). Detention in Non-International Armed Conflicts. In *Asia-Pacific Perspectives on International Humanitarian Law*. edited by Suzannah Linton, Tim McCormack and Sandesh Sivakumaran, Cambridge: Cambridge University Press. 251-266.
10. Dormann, K. (2012). Detention in Non-International Armed Conflict. *International Law Studies*, Vol. 88, 347-366.
11. European Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms, as amended by Protocols Nos. 11 and 14 (4 November 1950). ETS 5.
12. ECHR (12 December 2001). *Bankovic v. Belgium and Other States* (Grand Chamber). Application no. 52207/99.
13. ECHR (2007). *Behrami and Behrami v. France and Saramati v. France, Germany and Norway* (Grand Chamber Decision). Applications Nos. 71412/01 and 78166/01.

14. Esmaeilpour, H. and Shariat Baqeri, M. J. (Summer 2014). Investigating the Concept and Status of Right to Personal Freedom and Security. *The Judiciary Law Journal*, 78 (86), 7-33 (In Persian).
15. Fortin, K. (September 2018). Which Legal Framework Applies to Deprivation of Liberty by Non-State Groups and Do They Address the Particular Challenges When Detention is Conducted by Non-State Armed Groups?. Paper presented in the *41th Round Table on Current Issues of International Humanitarian Law, Deprivation of Liberty and Armed Conflicts: Exploring Realities and Remedies*, Sanremo, 6-8 September 2018.
16. Hill-Cawthorne, L. (2016). *Detention in Non-International Armed Conflict*. Oxford: Oxford University Press.
17. Human Rights Council (2014). Report of the Working Group on Arbitrary Detention. A/HRC/27/48.
18. Human Rights Council (17 December 2002). Report of the Special Rapporteur on Torture and Other cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment. UN Doc. E/CN.4/2003/68.
19. Human Rights Committee (26 May 2004). General Comment 31: Nature of the General Legal Obligation on States Parties to the Covenant. CCPR/C/21/Rev.1/Add.13.
20. Human Rights Committee (13 November 2004). Shafique v. Australia, Communication No. 1324/2004. UN Doc. CCPR/C/88/D/1324/2004.
21. Human Rights Council (16 November 2007). Report of the Special Rapporteur on the Promotion and Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms while Countering Terrorism, Martin Scheinin: Addendum: Mission to Israel including Visit to the Occupied Palestinian Territory. UN Doc A/HRC/6/17/Add.4.
22. Human Rights Committee (4 August 2010). Final Observations on Colombia. UN Doc. CCPR/C/COL/CO/6.
23. High Court of Justice Queen's Bench Division (17 January 2014). Serdar Mohammed v. Ministry of Defence.
24. Human Rights Committee (16 December 2014). General Comment No. 35: Liberty and Security of Person (Article 9). UN Doc CPPR/C/GC/35.
25. ICJ (19 December 2005). Case Concerning the Armed Activities on the Territory of the Congo (Democratic Republic of the Congo v. Uganda), (Judgment). General List No. 116.
26. ICJ (27 June 1986). Case Concerning Military and Paramilitary Activities in and Against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America) (Merits). I.C.J. Reports 1986, p. 14; General List No. 70.
27. ICJ (8 July 1996). Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons (Advisory Opinion). I.C.J. Reports 1996, p. 226.
28. ICJ (9 July 2004). Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory (Advisory Opinion). General List No. 131.
29. ICRC (2012-2013). Strengthening Legal Protection for Persons deprived of their Liberty in relation to Non-International Armed Conflict Regional Consultations 2012-13 (Background Paper).
30. ICRC (2016). Reports and Documents: Protecting People Deprived of Their Liberty. *International Review of the Red Cross*, 98 (903), 1043-1046.
31. ICRC (October 2019). International Humanitarian Law and the Challenges of

- Contemporary Armed Conflicts; Recommitting to Protection in Armed Conflict on the 70th Anniversary of the Geneva Conventions (Report). Geneva, 33IC/19/9.7.
32. ICTR (2 September 1998). Prosecutor v. Jean-Paul Akayesu (Trial Judgement). Case No. ICTR-96-4-T.
 33. ICTY (12 June 2002). The Prosecutor v. Dragoljub Kunarac, Radomir Kovac and Zoran Vukovic (Appeals Chamber). Case No.: IT-96-23 and IT-96-23/1.
 34. ICTY (15 March 2002). Prosecutor v. Milorad Krnojelac (Trial Judgement). Case No. IT-97-25-T.
 35. ICTY (2 October 1995). Prosecutor v. Dusko Tadic (Appeals Chamber), Decision on the Defence Motion for Interlocutory Appeal on Jurisdiction. Case No.: IT-94-1.
 36. ICTY (20 February 2001). Prosecutor v. Zdravko Mucic aka "Pavo", Hazim Delic, Esad Landzo aka "Zenga", Zejnil Delalic (Appeal Judgement). Case No.: IT-96-21-A.
 37. ICTY (26 February 2001). Prosecutor v. Dario Kordic, Mario Cerkez (Trial Judgement). Case No.: IT-95-14/2-T.
 38. ICTY (3 March 2000). Prosecutor v. Tihomir Blaskic (Trial Judgment). Case No.: IT-95-14-T.
 39. ICTY (31 March 2003). Prosecutor v. Mladen Naletilic aka "Tuta", Vinko Martinovic aka "Stela" (Trial Judgement). Case No.: IT-98-34-T.
 40. Inter-American Convention on Human Rights (Pact of San Jose) (22 November 1969).
 41. International Convention for the Protection of All Persons from Enforced Disappearance (20 December 2006).
 42. International Covenant on Civil and Political Rights (16 December 1966). United Nations, Treaty Series, vol. 999, p. 171.
 43. Khalaf Rezaie, H. (Fall and Winter 2019). Transnational Armed Groups and the Enforcement of International Humanitarian Law. *International Law Review*, 36 (61), 251-279 (In Persian).
 44. Khaleqi, A. and Barzegar, M. (Winter 2020). Sexual Violence against Izadi Women as Genocide: With Emphasis on ICTY Judgment in Akayesu Case. *Criminal Law and Criminology Researches*, 8 (16), 7-31 (In Persian).
 45. Meron, T. (2006). *The Humanization of International Law*. The Hague: Martinus Nijhoff Publishing.
 46. Moazenzadegan, H.; Heidari, M. A. and Nikoumanzari, A. (Fall 2013). Armed Conflicts and Violence against Women and Children from the Perspective of International Standards. *Woman and Culture*, 5 (17), 9-20 (In Persian).
 47. Momtaz, Dj. and Ranjbarian, A. H. (2014). *International Humanitarian Law; Internal Armed Conflicts*. 4th edition, Tehran: Mizan (In Persian).
 48. Pejic, J. (2005). Procedural Principles and Safeguards for Internment/Administrative Detention in Armed Conflict and Other Situations of Violence. *International Review of the Red Cross*, 87 (858), 375-391.
 49. Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and relating to the Protection of Victims of International Armed Conflicts (Protocol I) (8 June 1977).
 50. Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and relating to the Protection of Victims of Non-International Armed Conflicts (Protocol II) (8 June 1977).
 51. Qari Seyyed Fatemi, S. M. (2009). *Human Rights in Contemporary World; Volume II: Analytical Chapters on Rights and Freedoms*. 1st edition, Tehran: Shahr-e-Danesh (In Persian).

52. Qorbannia, N. (2011). *Human Rights and Humanitarian Law*. 2nd edition, Tehran: Publishing Organization of Research Institute for Islamic Culture and Thought ([In Persian](#)).
53. Qorbannia, N. (Spring 2007). Suspending the Enforcement of Human Rights in Emergency Times. *Islamic Law*, 3 (12), 37-62 ([In Persian](#)).
54. Rome Statute of the International Criminal Court (17 July 1998) (last amended 2010).
55. Shamlou, B. and Yousefi, A. (Winter 2016). Public Emergency Situation in International Human Rights Law. *The Judiciary Law Journal*, 80 (96), 109-128 ([In Persian](#)).
56. The UK Geneva Conventions Act (1957), Amendments 1995, 2009.
57. UK Public General Acts, Human Rights Act (1998).
58. UN Economic and Social Council (1985). Siracusa Principles on the Limitation and Derogation Provisions in the International Covenant on Civil and Political Rights. U.N. Doc. E/CN.4/1985/4, Annex (1985).
59. UN Human Rights Office of the High Commissioner (2011). *International Legal Protection of Human Rights in Armed Conflict*. New York and Geneva: United Nations Publication.
60. UN Security Council (12 September 2001). Resolution 1368, Adopted by the Security Council at its 4370th meeting, on 12 September 2001.
61. UN Security Council (8 October 2009). Resolution 1890. Adopted by the Security Council at its 6198th meeting.
62. United Kingdom (2017). The Case of Serdar Mohammed (Court of Appeal and Supreme Court Judgments).
63. Ziaie Bigdeli, M. (2017). *International Humanitarian Law*. 4th edition, Tehran: Ganj-e-Danesh Publication ([In Persian](#)).